

ویژه بیست و ششم رمضان الکریم

یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

# روز شمار مهمان ماه خوب خدا

## روز بیستم از ماه رمضان



مرکز تولید محصولات چندرسانه ای فرهنگی  
سازمان جهاد دانشگاهی خواجه نصیرالدین طوسی



بازتاب رویدادهای معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی



معاونت فرهنگی

# ماهی هفت پرده

روزشمار مهمان ماه خوب خدا

صاحب امتیاز: اداره کل راهبری امور فرهنگی جهاد دانشگاهی  
مدیر مسئول: عادل تقوی  
سردبیر: پویا پایداری  
طراح گرافیک: سید علی اکبر عبداللهی  
خطاط: استاد سید محمد جاویدان  
توصیه های اخلاقی: آیت الله محسن غرویان  
تفسیر قرآن: پویا پایداری  
مروری بر نهج البلاغه: فرزانه بزرگیان  
برداشت فلسفی: حمید امیدی  
انتخاب اشعار: احمد راهداری  
سفر آیینی: رحیم یعقوب زاده، زینب یوسفی، صدرا عمویی  
میزان فرمان انسان در روزها: فرزین پور محبی  
انجام مصاحبه ها: پوریا جوادی  
گردآوری دیدگاه های مخاطبان: ارشیا عبدی  
داستان کوتاه: حسین رهاد  
معرفی کتاب: بهاره راد  
انتخاب موسیقی: سمانه عنبری  
تیم فنی و پشتیبانی فضای مجازی: امیرحسین اسدی، محمد رضارحمانی  
و پوریا جوادی



نشانی: خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان شهدای  
ژاندارمری شرقی شماره ۷۲

پایگاه اطلاع رسانی:

[www.roytab.ir](http://www.roytab.ir)



بازتاب رویداد های معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی



مرکز تولید محصولات چند رسانه ای فرهنگی  
سازمان جهاد دانشگاهی عواجه نصرالدین طوسی



معاونت فرهنگی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِي رِشْقِكَ



رمضان ۱۴۴۲ قمری  
یکشنبه ۱۹ اردیبهشت

## همت من پشت پا بر عالم باقی زده است

### چیت دنیا تا به چشم اعتبار آید مرا؟

صائب تبریزی



آیت الله محسن غرویان

توصیه اخلاقی

**سعی بنی آدم**  
این همه اختلافات به میزان نسبت تلاش تک افراد عالم می باشد.....

قسم به این آیات الهی که سعی و کوشش قسم به این آیات الهی که سعی و کوشش شما مردم بسیار مختلف است..... سوره لیل آیه ۴ این عبارت با تاکید در جواب سوگند آمده است که محققا سعی شما بنی آدم و رفتار و کردارتان مختلف است؛ گروهی از شما در طریق حق و سعادت مشی می کنند و بعضی در طریق باطل و شقاوت سیر می کنند که در سوره اعراف آیه ۳۰ می فرماید:

فَرِيقًا هَدَىٰ وَ فَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ - اختلاف افراد بشر از حیثیات زیادی بسیار است؛ از مادی گرایان گرفته تا طبیعت گرایان، از مشرکان که هر طایفه آنها یک الهه بر خود انتخاب کردند از اصنام و گاو و گوساله و آتش و درخت و شمس و کواکب و ملائکه و جن و انس و غیر اینها، و از یهود که هفتاد و یک فرقه شدند یک فرقه در نجات و هفتاد در هلاکت، و نصاری که هفتاد و دو فرقه یک فرقه در نجات و بقیه در هلاکت، فرق مسلمین که هفتاد و سه فرقه یک فرقه در نجات بقیه در هلاکت. این تلاشهای مختلف مردم در حوزه عقاید اما در اخلاق و افعال و اعمال نیز به مراتب متفاوت است به گونه ای که می توان گفت که دو نفر مثل هم نیستند، و این همه اختلافات به میزان نسبت تلاش تک افراد عالم می باشد و هر کس در گرو سبک زندگی ای است که در پس میزان تلاش خود به دست آورده

**کل نفس بما کسبت رهینه**

پویا پایداری



تفسیر

فرزانه بزرگیان  
مروری بر  
نهج البلاغه



### خانه‌ی تلاش

حقیقت را نمی توان آموخت و قابل تعلیم نیست، تنها می توان آن را دریافت کرد.....

حکمت ۸۶

اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایندتر است. تجربه فوق العلم... تجربه برتر از علم و آگاهی است؛ ذکر روح و جان آدمی کوشش و تلاش است، و به نص صریح کلام الله مجید، معیار انسان بودن، اندازه تلاش و کوشش اوست و شاید جوانمردان واقعی آنانند که با تلاش و مجاهده، برای امکان غلبه مجدد بر سرشت هبوط کرده با توسل به نور فطرت، اقدام مینمایند. والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا..

به طور قطع و یقین، آنان که در راه ما تلاش و مجاهدت می کنند، به راه های خود هدایت می کنیم. پس، اگر طالب نجات و رشد هستید، باید غفلت و سرگرمی ها را رها کنید و به تلاش و جدیت ملزم شوید، چرا که یاری خداوند علیم، به تناسب تلاش آدمی می رسد و در غفلت آدمی همین بس که خود را صرف چیزی پست تر از بهای وجودی خود کند، در نهایت تلاش و کوشش است که آدمی به طاعت حق دست می یابد و حقیقت را ملاقات می کند، چرا که حقیقت را نمی توان آموخت و قابل تعلیم نیست، تنها می توان آن را دریافت کرد و فهمید مانند رفتن به زیر باران برای درک کردن باران. آنانکه تلاش می کنند تا حقیقت را با مشتی واژه و اصطلاح تعریف کنند، با آن بیگانه اند. به معلومات خود عمل کنید، استاد راه علم و معرفت است و به قول حضرت امیر، آنکه خردش را بر میلش مقدم بدارد، تلاش هایش پسندیده می گردد، پس خوشا به حال کسی که تلاش برای کسب آگاهی و پرداختن به نواقص و کمبودهاش او را از تجسس در احوال دیگران بی نیاز ساخته، چرا که متوجه شده، اصلاح خودش مقدمه هر تلاش دیگری است. خردمند بر تلاش خود تکیه میکند و چون نادانان آرزو را تکیه گاه خود قرار نمی دهد. از زبان صدیقه طاهره درخواست کنیم، از زبان یک انسان کامل:

"بارالها دینم را محور و ملاک کارهایم و دنیایم را که خانه تلاش و معاش من و آخرتم را که سرانجام من به سوی آن است، اصلاح فرما."

**کف نفس**  
هر کسی در راه ما جهاد کند، ما راههای هدایت را به روی او باز میکنیم..... بعضی فکر میکنند که راز موفقیت انسان در نبوغ و استعداد است، در حالی که بزرگان موفق تاریخ همه اتفاق نظر دارند که پشتکار و تلاش رمز موفقیت انسان است.

میزان نبوغ و استعداد هر فردی در اختیار خودش نیست، یک امر خدادادی است؛ اما تلاش و مجاهده در اختیار خود انسان است. خداوند می فرماید **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا** هر کسی در راه ما جهاد کند، ما راههای هدایت را به روی او باز میکنیم.

بنابراین در ماه مبارک رمضان باید تمرین کنیم، تلاش کنیم، اراده کنیم و تقویت اراده را فرا بگیریم. خود روزه داری کف نفس، مقاومت در برابر امیال و شهوات و اشتیهای خوردن و آشامیدن، در حقیقت تلاشی است برای تمرین کردن و استقامت در برابر موانع؛ بنابراین یادمان نرود تکه بر نبوغ نباید بکنیم، باید پشتکار داشته باشیم، رمز پیروزی مردان بزرگ، تلاش ها آنهاست، پشتکار آنهاست.

برداشت فلسفی



حمید امیددی

تلاش و حرکت به سوی تکامل نتیجه اعتقاد عمومی به حرکت مدام و جنبش تمام ذرات عالم است.....

صدرالمتالهین -موسس حکمت متعالیه- در جریان تبیین حرکت جوهری معتقد است؛ کاروان هستی به سوی خدا ساری و جاری ست، بنابراین جهان ما جهان سیال و در حرکت مدام است. ملاصدرا می گوید آن جا که خدا می فرماید "کل یوم او فی شان" ناظر بر همین معناست. مولانا نیز در تبیین جنب و جوش مستمر جهان می گوید:

**"هر نفس نو می شود دنیا و ما بی خبر از نو شدن اندر بقا"**

تلاش و حرکت به سوی تکامل نتیجه اعتقاد عمومی به حرکت مدام و جنبش تمام ذرات عالم است که در روند زندگی منجر به منفعت عمومی برای همگان می گردد. خطاب قرآن به انسان نیز تأکیدی بر همین نظر است آن جا که خدای متعال می فرماید **"ای انسان تو جز سعی و تلاش که انجام می دهی نیستی"**

تلاش در آموزه های دینی ما نسبتی معنایی با جهاد دارد، از این رو تلاش همان است که از آن به "مجاهدت" تعبیر می کنیم پس تلاش نوعی جهاد مقدس تلقی می گردد و معنای روایتی که می فرماید "آن کسی که برای معیشت خانواده خود تلاش می کند همانند مجاهدی ست که در راه خدا جهاد می کند" باز روایتی از مفهوم جهاد برای نیل به زندگی برتر و فردایی بهتر است.

# اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا، وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا، وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا، وَعَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ.

## متناسب با موقعیت

### تلاش مفهوم کلی در بافت های متفاوت معانی مختلف دارد.....

تلاش از نظر من نویسنده، یعنی نوشتن، نوشتن؛ خواندن، خواندن و خواندن است. تلاش برای هر کسی یک معنا دارد و یک تصویر دارد و یک جوری معنا میشود، یک جور تعریف میشود. تلاش از نظر یک نوازنده ممکنه نواختن، نواختن، شنیدن، شاگردی کردن باشد، شاید از نظر یک نقاش کشیدن طراحی کردن دیدن شناختن باشد هر کسی در هر دنیایی که هست، تلاش بر اساس موقعیتی که توش قرار گرفته تعریف میشود. مفهوم واژه تلاش و میتواند براساس همین موقعیت آن واژه معنا بشود، آن واژه تعریف بشود و آن واژه در ذهن متصور بشه، براساس موقعیت ما تصویری از واژه تلاش و چیزی که از تلاش در ذهن دارم، ببینم و متصور بشم؛ مثلاً اگر بنده دارم یک گلی رو روی یک پارچه ای می دوزم و باصطلاح گلدوزی کنم، هدف اگر کشیدن و دوختن گل باشه، برجسته سازی آن گل باشه، تلاش برای من میشه رسیدن به اون هدف، سوزن زدن به اون گل و سوزن زدن و نخهای مختلف رو بیرون کشیدن و بازی کردن به اون تصویر، در حال حاضر تلاش برای بنده به عنوان نویسنده نوشتن نوشتن و خواندن و تسلط بر واژه های مختلف است و به اصطلاح رکاب گرفتن از واژه ها برای ساخت دنیایی که قراره در داستانهام روایت کنم، بنابراین تلاش خیلی مفهوم کلی هست که هر جایی میتونه یک چیزی معنا بشه، تلاش برای کسی که گرسنه است و کسی که می خواهد به نان برسه و به آب برسه، فعالیت کردن به رسیدن به اون هست، یا گرفتن حق است که بتونه نانی بیره خونه اش، یا آب را محیا کند برای خانواده اش، بنابراین تلاش یک مفهوم دارد و فکر می کنم در جهت مثبت و به اصطلاح خیریت باشه، بهترین اتفاق میفته برایش و اگر در جهت آسیب رساندن به کسی باشد مطمئناً اتفاق جذابی نیست و نمیتونیم لزوماً بگیریم تلاش همیشه محتوای مثبت دارد، چون امکان داره تلاش در یک بازه موقعیت مشخص و معنای منفی و اثر منفی داشته باشد و مطمئناً در آن صورت رسیدن تلاش کردن برای رسیدن به آن هدفی که خیر نیست مطمئناً مثبت و به اون نوعی که ما داشتیم پیش از این صحبت میکردیم نمی توان بیانش کنیم بنابراین تلاش یک معنا کلی دارد یک مفهوم کلی دارد که در بافت و بافت های متفاوت به گونه های متفاوتی معنا میشود.



گفتگو

پژند سلیمانی

## روز باقیست به پایان مهمانی



سفر  
آئینی

رحیم یعقوب زاده

## رمز راز بقای هر جنبنده

### هر کدام بنوعی در تلاشند تا نانی به کف آوردند و کف کنند.....

#### میزان فرمان انسان

اگر کار و کوشش جوهر مرد است در زنی که مادر و کدبانو و یا حتی هووست این جوهر خیلی پررنگ تر است؛ اگر پشت هر مرد موفق یکی زن خوب و جلویش یک زن زیبا ایستاده؛ قطعاً هیچکدامشان بیکار و علاف نایستاده! هر کدام بنوعی در تلاشند تا نانی به کف آوردند و کف کنند؛ اما یکی برای راهنمایی مرد با هدف تأمین اجتماعی قوت لایموت حلال یکی هم برای از راه بدر کردنش با هدف تأمین اشتباهی سورو سات و لقمه ای نان حرام! یعنی حتی در کارهای شری هم که معمولاً شیرینند؛ نیاز به تلاش است چه رسد به کارهای صواب و درست و سخت!

خلاصه اینکه داستان تلاش برای معاش، برای هر تنابنده، واجب و رمز راز بقای هر جنبنده است. قانون جنگل هم؛ همین است؛ ندویی یا نخوری خورده می شوی اصولاً دنیا یک رستوران بزرگ است همه در حال خوردن هم هستند و درست مانند فوتبال؛ آن تیمی که دست دست کند و گل نزند گل می خورد و به پشت دست می زند! پس اگر برویم سراغ انشائی که قرار است با موضوع «زندگی» نوشته شود؛ فقط با دو کلمه سر و تهش هم آورده می شود: «تلاش» و «دویدن»!

اصولاً باید جان کند تا جان بدر کرد! اما این تلاش بی وقفه، نباید بشود حکایت تلاش بیپوده! باید تضمینی گرفت با حساب و کتاب از یک مرجع ذی صلاح! باید از او خواست تلاشش نشود حکایت ریختن دسته گل به آب آنهم بی اجر و سپاس؛ یا نشود کاشتن تخم شوید به امید در آمدن آناناس! نباید دور خود چرخید و بعد از ۳۰ سال؛ دوباره همان جای اول را دید! در اینجا باز هم اوستا کریم می آید وسط گود و کارزار ... بله؛ در اثر کوشش و حرکت از سوی بنده؛ ماشین برکت آفریننده به شرح زیر می رود توی دنده: گناهان آمرزیده می شوند؛ اعمال پذیرفته می شوند؛ عیب ها پوشانده می شوند و روی هم نرفته؛ این داستان مثل آخر فیلم های هندی به خیر و خوشی تمام می شود؛ یعنی تمامی کوشش ها بی دریغ شامل کلی لطف و سپاس می شوند. یا علی

## مراسم شوخوانی

### رسمی دیرینه در استان خراسان جنوبی



میزان  
فرمان انسان  
فرزین پور محبی

در ماه مبارک رمضان مردم نواحی مختلف کشور آداب و رسوم ویژه ای داشتند که بعضی از آن ها حفظ شده است.

یکی از این گونه مراسم ها که همچنان در برخی از روستاهای استان خراسان جنوبی انجام می شود مراسم شب خوانی یا به قول مردم این ناحیه «شوخوانی» است. این مراسم از رسم های قدیمی مردم خراسان جنوبی در ماه مبارک رمضان است که هنگام سحر اجرا می شد. در این مراسم، اشعار و دعاهایی در پشت بام مساجد یا منازل یکی از افراد محله توسط فردی خوش صدا خوانده می شد تا مردم را به سحر خیزی و سحری خوری دعوت کند.

در ساعات نزدیک به سحر برخی از مردان خوش صدا به بالای بام خانه خود می رفتند و با صدای بلند به خواندن ادعیه و اشعار مذهبی می پرداختند. شب خوانی معمولاً در سه نوبت انجام می گرفت که هر کدام نمودار زمان معینی از سحر گاهان بود.

در آخرین روز از رمضان نیز، هنگام سحر و در مراسم شوخوانی، با خواندن مناجات هایی با رمضان وداع می کنند. این نوع رسم هنوز در برخی از نواحی استان خراسان جنوبی همچون بیرجند و برخی روستاها رواج دارد. افضاری دادن با دعوت از خویشان و همسایگان به منظور احیای سنت صله رحم و کسب ثواب از دیگر آیین های سنتی ماه رمضان در این استان است که همه مردم سعی می کنند از آن بی نصیب نمانند.

# خدایا، کوششم را در این ماه مورد سپاس و گناهم را آمرزیده و عملم را پذیرفته و عیبم را پوشیده قرار ده، ای شنواترین شنوایان.

گردآوری:  
ارشیا عبدی



از دیدگاه شما

- انجامش در زمان ناامیدی و بدون فکر به نتیجه آن، سبب وجه تمایز شما با دیگران است.
- تلاش یعنی ادامه دادن و نپیریدن، یعنی ایستادن و باز نیاستادن از رسیدن به هدف
- دویدن و دویدن و دویدن این معنی تلاشه؛ اما دویدن با تاکتیک نه به دور خود چرخیدن
- تلاش رو من تویه حرکت و زندگی مورچه می تونم مثال بزنم، که هیچ وقت برای راهی که داره توش گام بر میداره، دست نمیکشه.
- تلاش یعنی ایستادگی در برابر موانع؛ بدون تلاش شاید شکست نخوریم اما قطعاً موفق نمیشیم.
- تلاش در زندگی لازم و حیاطی است و اگر تلاش نباشد هیچ کاری به سرانجام نمی‌رسد و انسان به دنیا آمده است تا تلاش کند برای هدفهایش



بهاره راد

معرفی کتاب



## پشتکار، قدرت مداومت

به جای هراسیدن از شکست‌ها، از آن‌ها درس بگیرید، نام خود را در تاریخ ثبت کنید.....

کلمات خردمندانه، ضرب‌المثل‌های کهن، داستان‌های قومی و افسانه‌ها، داستان‌هایی که نسل به نسل به نوادگان ما می‌رسند و ما را صرف‌نظر از رنگ، نژاد، مذهب و مرزهای ملی به هم متصل می‌کنند. با اینکه این داستان‌ها موضوعات مختلفی دارند، هر یک برای مان‌الگویی مطرح می‌کنند. و هیچ داستانی به اندازه قصه چگونه کامیاب شدن، جهانی نشده است.

در طول ۱۵۰ سال گذشته، فلاسفه و دانشمندان بسیاری ثابت کرده‌اند که پشتکار، شاه‌کلید همه‌ی موفقیت‌هاست. همین پشتکار به جورج گوتالز انگیزه داد تا کانال پاناما را پس از چندین بار شکست بسازد، به ادیسون توانایی اختراع لامپ را داد و این نیروی پشتکار به آبراهام لینکلن قدرت داد تا برخلاف ناکامی‌های کاری، قلبی شکسته و هشت بار شکست خوردن در انتخابات، به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شود. ناپلئون هیل در این باره می‌گوید:

یکی از دلایلی که بیشتر انسان‌های موفق تا قبل از چهل‌سالگی به کامیابی نمی‌رسند این است که باید شکست‌ها و ناراستی‌هایی را از روزگار ببینند و بر موانع زیادی فائق آیند و پس از کسب دانش لازم، به ثروت و کامیابی دست یابند. بنابراین تنها کسانی که پشتکار داشته باشند و به جای هراسیدن از شکست‌ها، از آن‌ها درس بگیرند، نام خود را در تاریخ ثبت می‌کنند.

کتاب پشتکار، قدرت مداومت اثر گرگ اس. رید، توسط فاطمه باغستانی ترجمه و در نشر نسل نو اندیش منتشر شده است.



حسین رهاد  
داستان کوتاه

مقاله

## «بر پدرش لعنت. الان این یعملونه یا یعلمون؟»

ماه رمضان بود و هر روز عصر مردها به مقابله‌ی قرآن می‌رفتند. هر دفعه خانگی یک نفر جمع می‌شدند و یک جزء قرآن می‌خواندند. اعظم به زور جواد فیچیلی را به مقابله می‌فرستاد. جواد هم غرغر می‌کرد و می‌گفت: «پس چرا بابا نمی‌آد؟» اعظم جوابی نداشت و به ناچار می‌گفت: «کار داره.» جواد هم که داستان را از حفظ بود ادامه نمی‌داد و می‌دانست که باید مقابله را برود و مقاومت فایده‌ای ندارد. جواد آن روز بعد از کلی بازی و دویدن به مقابله رفت و حسابی خسته بود. برای همین در گوشه‌ی خانه نشست و خیلی آرام قرآن را خط می‌برد. حاج‌غلامرضا که سنش را حتا خودش هم نمی‌دانست شروع به خواندن قرآن کرد. هر کلمه را که می‌خواست ادا کند آنقدر می‌کشیدش که دهانش یکسره باز بود و مجبور بود تندتند آب دهنش را قورت بدهد. معمولاً بزرگ‌ترها هر کدام دو سه صفحه می‌خواندند و تخمین زدن زمان خواندن حاج‌غلامرضا یک ماشین حساب مهندسی می‌خواست. از طرفی کسی جرئت نداشت به حاج‌غلامرضا بگوید که دست از خواندن بکشد. حاج‌غلامرضا وسط صفحه‌ی دومش بود و با تمام وجودش تلاش می‌کرد که درست بخواند. جواد بعد از دو سه چرت مرغوب دیگر حوصله‌ی خوابیدن را هم نداشت و توی دلش با کلمات شعر می‌ساخت. در آن لحظه جواد حرف‌های کلمه‌ی «یعلمون» را جابجا می‌کرد که حاج‌غلامرضا هم به آن کلمه رسید و کلمه را «یعملون» خواند. جواد که در دنیای خودش سیر می‌کرد ناخودآگاه خندید و فکر کرد خودش گفته «یعملون» برای همین به صورت ریتمیک گفت: «خره یعملون غلطه لامش رو یکی بیار عقب درست می‌شه.» جواد بعد از دو سه ثانیه‌ای سنگینی نگاه‌ها را به روی خودش احساس کرد و با ساکت شدن اتاق، سرش را بالا آورد و زیرچشمی جمع را نگاه کرد. همه به او خیره شده بودند و او نمی‌دانست باید چه کار کند. حاج‌غلامرضا عصبانی بود و ریش‌های یک‌دست سفیدش به رنگ سرخ دیده می‌شد و اگر کارد بهش می‌زدی خونش در نمی‌آمد. حاج‌غلامرضا از جاش بلند شد و لنگان‌لنگان به سمت جواد آمد و یک پس‌گردنی به جواد زد و او را با اردنگی از خانه بیرون کرد. در همین حین نفس‌نفس می‌زد و می‌گفت: «توله‌سگ اگه یه بار دیگه جلو چشمم باشی پدرتو در میارم.» جواد هم که بچه‌ی تخیسی بود کم‌نیامور و گفت: «حاجی پیر شدی هم کله‌ت پوک شده هم چشمات نمی‌بینه.» و پا به فرار گذاشت. همه‌ی افراد جمع، که ناظر به اتفاقات بودند می‌خواستند از خنده منفجر شوند ولی خودشان را نگه داشته بودند. بعضی‌ها از شدت فشار مدام سرفه می‌کردند و داخل دست‌شان یواشکی می‌خندیدند. حاج‌غلامرضا در حالی که با خودش حرف می‌زد نشست و خواندنش را از سر گرفت. دقیقاً کلمه‌ی دومی که می‌خواست بخواند همان «یعملون» بود. حاج‌غلامرضا مکثی کرد و گفت: «بر پدرش لعنت. الان این یعملونه یا یعلمون؟» همه به یکدیگر نگاه کردند و در آستانه‌ی تحمل‌شان عنان از کف دادند و صدای خنده تا هفت کوچه‌انور تر شنیده شد.